

روایهایی که می آیند

ساسان گلفر cinemaglobe.blogfa.com

نفرین ناگزیر

■ «بندی گیم»، «هنسام» و «هیستریا»، «ویرجینیا»، «جانور آمریکایی»، «مالی دوست‌داشتنی» و «هنگام بارداری چه انتظاری باید داشت» از جمله فیلم‌های اکران‌گرفته از جمعه گذشته هستند که محدودیت‌های صفحه فرصت معرفی آنها را باقی نگذاشت. اکران «سایه‌های تاریک» از جمعه ۲۲ اردیبهشت و اکران چهار فیلم دیگر از ۲۹ اردیبهشت آغاز شده است.

■ ■ ■

سایه‌های تاریک


تازه‌ترین اثر تیم برتون اقتباس از یک مجموعه تلویزیونی پرطرفدار دهه ۱۹۷۰ است. بارناباس که همراه با خانواده‌اش در نیمه قرن هجدهم از لیورپول به آمریکا رفته اما نتوانسته است از نفرین خانوادگی بگریزد، توسط جادوگری به خون‌آشام بدل می‌شود و دو قرن زنده به‌گور می‌ماند تا در سال ۱۹۷۲ از گور بیرون بیاید و در عمارت خانوادگی با نوادگان خود روبه‌رو شود. دو بازیگر همیشگی برتون، جانی دپ و هلنا بونهم کارتر در این فانتزی کمدی با میشل فایفر، جکی رل هیل، جانی لی میلر، اوا گرین و کولبی گریس مورت همراه شده‌اند. زمان نمایش فیلم ۱۱۳ دقیقه است.



ساشا بارون کوهن کمدین در این فیلم که گفته می‌شود با الهام از رمان «پیپه و پادشاه» نوشته صدام، دیکتاتور سابق عراق، ساخته شده است، نقش دیکتاتوری را دارد که از مصمم قلب تلاش می‌کند تا از ورود دموکراسی به کشورش جلوگیری کند. فیلم را لری چارلز، کارگردانی کرده و فیلمنامه را بارون کوهن همراه با الک برگ، جف شفر و دیوید مندل نوشته است. بن کینگزلی، آنا فاریس، مگان فاکس و جان سسی رابلی از دیگر بازیگران این کمدی ۸۲دقیقه‌ای هستند.



در این فیلم علمی-تخیلی کانادایی، دانشمنددیوانه‌ای به نام دکتر نایل (مایکل راجرز) در آزمایشگاه مجهزی مشغول آزمایش روی ذهن شخصی است که در آنجا اسیر شده و قربانی تاش می‌کند از چنگ او بگریزد. فیلم ۱۱۰دقیقه‌ای محصول سال ۲۰۱۰ است و پائوس کاسماتوس آن را نوشته و کارگردانی کرده است. اوا آلن، اسکات هایلندز و راندل رینولدسن نیز در فیلم بازی کرده‌اند.



فولی (ساموئل آل. جکسن) بعد از سپری کردن ۲۰ سال در زندان امکان آغاز زندگی تازه‌ای را پیش رو می‌بیند اما گذشته‌ها دست از سر او برنمی‌دارد و پیش‌رو همکار سابقش او را وادار می‌کند که به نوعی به راه قبلی پا بگذارد. لوک کربی و تام ویلکینسن از دیگر بازیگران این فیلم دلپ‌آور به کارگردانی دیوید وپور، محصول کانادا که در لوکیشن‌های هاوانای کوبا فیلمبرداری شده، هستند. زمان نمایش فیلم ۹۰ دقیقه است.



کمدی ورزشی «پیکان‌های خمیده» به یک تیم لاکراس دبیرستانی آمریکایی می‌پردازد که برای ورود به مسابقات قهرمانی ملی به ریشه‌های باستانی این ورزش بازمی‌گردد. تاد برد و براد ریدل فیلمنامه را نوشته‌اند و استیو رائش فیلم را کارگردانی کرده است. برندن روث (بازیگر نقش سوپرمن در «سوپرمن بازمی‌گردد»)، گیل بیرمنگهام و کریستال آلن از بازیگران این فیلم صدقیقه‌ای دارای درجه بی، جی، ۱۳ هستند.

ساشا بارون کوهن بازیگر «دیکتاتور»:

بهار را از تقویم حذف کرده‌ام

جانی کاریلو / ترجمه: وحیداله موسوی

ما کنفرانس‌های همیشگی محور شرارت را در یک اقامتگاه ساحلی در انتیگوابر گزار می‌کنیم.

❧ دیکتاتورهای ایده‌آل شماچه کسانی هستند؟

می‌توان از صدامحسین کبیر، معمر قذافی و البته دیک چنی (معاون پیشین رییس جمهوری آمریکا) نام برد. کیم جونگ ایل (از کره‌شمالی) الهام‌بخش مهمی برای من است. او تلاش‌های بسیاری برای گسترش شفقت، حکمت و زونا (نوعی بیماری مسری ویروسی) در سرتاسر دنیا انجام داد، اما یک دیکتاتور باید شکیک و پیک باشد و پسرش کیم جونگ اون بین الویس چاق و الویس ارتشی گیر افتاده و باید به سر وضع خود برسد.

❧ شما برنده سه جایزه گلدن گلوب وادیا برای بازیگری شده‌اید. فیلم‌های مورد علاقه شما چیستند و چه کسی الهام‌بخش تان بوده؟

من فیلم‌های آمریکایی را دوست دارم. به‌ویژه آثار علمی تخیلی را، به خصوص فیلم «فهرست شیندلر». را. عاشقش هستم، بسیار شگفت‌انگیز است. من و یکی از دوستان رییس‌جمهورم آن را می‌بینیم و می‌خندیم، اما در فیلم‌هایی مانند «گردن زدن سرباز رایان»، «شما یک بسته بمب برایتان رسیده» و کمدی رمانتیک «سیاره هتاناک» نیز نقش آفرینی کرده‌ام.

❧ آیا شما دوست دارید یک سایه‌پوست در نیویورک باشید؟

خیلی جالب است که آدم یک سایه‌پوست در نیویورک باشد. بدون تردید من آرزوی بدترین چیزها را برای آمریکا دارم اما عاشق نیویورک هستم، و عاشق خرید کردن. همین امروز صبح به پرادا رفتم و سه دست کت و شلوار و دو خاتم فروشنده خریدم.

❧ نظر تان درباره بهار عربی چیست؟

بسیار آندوهناک است اما بهار عربی یک جنون گذراست، مانند رژیم آتکین‌ها یا حقوق بشر، من نگران آنچه در وادیا رخ می‌دهد، نیستم زیرا مردم بسیار زیادی من را دوست دارند و من بهار را از تقویم حذف کرده‌ام و فوریه کانون ۱۴۰۰روزه است تا بهار عربی به ما نرسد.

دیکتاتور بزرگ

پیتر دیروژ

او باید افراد معروف را به نمایش می‌گذارد.

ما باید باور کنیم که عشق به دوست‌داشتنی‌ترین زن آمریکایی می‌تواند قلب یک دیکتاتور بیرحم (اما بهائایی آزار) را دچار تغییر کند. این برای ایدی موفی در «مدن به آمریکا» جواب داده، اگرچه او در نقش شاهزاده زن‌ستیز آفریقایی در جست‌وجوی نیمه گمشده خود به آنجا آمده بود. در این مورد، فاریس به نوعی فمینیت با ظاهری غیر جذاب تبدیل می‌شود. هیچ لطیفه‌ای در «دیکتاتور» خنده‌دارتر از جمله خودانگیخته بارون کوهن پس از ریختن کوزه خاکسترها روی رایسان سسی کرست در جواز اکانمی نیست، «گه کسی ببرسه چه پوشیدی، بگو کیم جونگ‌ایل» در فاصله فیلم کودکانه سال ۲۰۰۲ کوهن و این فیلم می‌بینیم که هر زمان بازیگر فیلم امکان خروج از فیلمنامه را داشته، به حد اعلای سرگرم‌کنندگی دست یافته است. در چندین مورد، تلاش می‌شود تا در صحنه‌ها همان تاثیر را باز بیافریند، مانند وقتی که بدل او در سازمان ملل سخنرانی می‌کند اما این تاثیر وقتی بازیگران برای واکنش دادن به خدمت گرفته می‌شوند، اجباری جلوه می‌کند.

البته کار کردن با یک فیلمنامه قراردادی‌تر مزایای خود را دارد. به‌جای برخوردهای بالقوه خوارآل‌تر با دوربین‌های مخفی، لری چارلز کارگردان (که «صورت» و «برونو» را کارگردانی کرده و شاید خودش الهام‌بخش ریش بههم ریخته علاءالدین بوده) که عواملی در دست اختیار دارد، می‌تواند نگاه خود را به چنان تلنگرهای جزئیات‌محوری مانند یونیفرم تزئین‌شده و قصر علاءالدین معطوف کند.

اگر «یکتاتور» در وادای خیالی بر پرده رفته بود، می‌توانستید مدت‌زمان داستانی فیلم را به حساب معیزيه‌های محلی بگذارید، اما مشکل می‌شود به تنها ۷۵دقیقه از مصالح کلاما خنده‌دار برای تدوین فکر کرد. بارون کوهن با کار کردن با فیلمنامه‌یوسان مشتر کش، احتمالا تا آخر فیلم به نوشتن و بازنویسی اشتغال داشته، درست مانند بسیاری از خنده‌دارترین جملاتی که به هم گره خورده‌اند و وقتی کاراکترها در قاب حضور ندارند ادا می‌شوند. مثلا وقتی علاءالدین حکم می‌دهد که مرگ آمریکا

را سبایهان ساخته‌اند، چینی‌ها مالکش شده‌اند، این توهمین او روی نمایشی از ساختمان‌های نیویورک در افق می‌آید. مانند همیشه، اصطلاحی سیاسی نمی‌توانست از ذهن فیلمساز کنار گذاشته شود و با این وجود، آنچه این فیلم شیدا فاقد آن است نوعی جاذبه آسانی است که چاپلین در پایان «دیکتاتور بزرگ» به آن دست می‌یابد. بارون کوهن ممکن است دل و جرات داشته باشد، اما او یک صحنه بیان چنان چیزی را ندارد. منظور تان، سخنرانی پاپایی او درباره درس‌هایی که دموکراسی می‌توانست از استبدادگري بیاموزد تقریباً آن‌دسیسه‌چینی ناشیابه پیش از آن را نادهید می‌گیرد.

منبع: نورتی

سینمای جهان



❧ درباره نخست‌وزیر استرالیایی ما چه فکر می‌کنید؟

این جولیا گیلارد شما بهترین دلیل برای مخالفت با دموکراسی است. او باعث می‌شود که انگلا مرکل (صدراعظم آلمان) به هایدی کلام (مجری، هنرپیشه و مدل آلمانی-آمریکایی) شباهت پیدا کند. اگر مرکل جراحی پلاستیک نکند، جلور می‌تواند از کشورش انتظار داشته باشد که به او احترام بگذارد؟

❧ شما در این فیلم عشق را یافتید؟

من در فیلم با زویی (آنا فاریس) به عشق واقعی رسیدم اما من واقعا یک آدم دوست‌داشتنی هستم. من را به عنوان جذاب‌ترین دیکتاتور ۲۰۱۱ انتخاب کردند. کیم جونگ‌اون دارد سعی می‌کند این عنوان را به‌دست بیاورد اما چاق بودن که دلیل جذاب بودن نیست.

❧ شما با افراد معروف بسیاری بوده‌اید. چه کسی توانست در برود؟

آنها هرگز در نمی‌روند زیرا بدون پاسپورت دشوار می‌توان چنان کاری کرد. شاید آنها بتوانند از روی دیوار دیسکوی

خصوصی من بیزد اما کسی را گریزی از بیابان نیست. طی چند ساعت آنها چین و چروک می‌خورند و شبیه یک عکس جانی لیندسی لوهان می‌شوند.

❧ شما چگونه رهبر شدید؟

من در شرایطی ترازیک به قدرت رسیدم. در دوران کودکی مادرم به دلیل خفگی و پدرم به دلیل انفجار مین مردند. در آن دوران قدیم دیکتاتورهای جنتمن، شما فقط مجبور بودید پدرتان را بشکست اما اکنون باید کارهای موزیانه دیگری هم انجام بدهید و بس، اکنون از آدم‌های خوب معدودی باقی مانده‌اند، مانند صدام، قذافی و اپرا وینفري.

❧ دیکتاتور بودن چه عیبی دارد؟

اکنون آنها دارند دیکتاتورهایی مانند ما را قربانی می‌کنند و می‌گویند که ما بسیار بد هستیم، به فلان رییس‌جمهور نگاه کنید. و اندکی نسل‌کشی کوچک به راه می‌اندازد و ناگهان همه چیز راس و ریس می‌شود.

آوردید و همه مدال‌ها را برنده شدید. اما آیا این حقیقت دارد که می‌خواستید ستاره آرزانتینی لیونل مسی را برای تیم فوتبال کشورتان بخرید؟

من به فرد دیگری در تیم فوتبال کشورم نیاز ندارم. من تمام امتیازات را می‌گیرم و هیچ‌کس تا حالا حتی یک امتیاز هم در برابر من نگرفته. نمی‌دانم چرا این گونه است.

❧ برمیاهات‌ترین کاری که انجام داده‌اید، چیست؟

چیزهای بسیاری. من اخیرا توانستم یک اقامتگاه خصوصی اسکی در بیابان وادیا بسازم. ۲۰میلیارد بطری آب فیچی خرج برمی‌دارد تا هر روز برف درست شود.

❧ سرگرمی‌های محبوب شما چیست؟

دیدن اینکه چه تعداد نشان مخفی ویکتوریایی را می‌توانم بیکاره به تخت‌خوابم وصل کنم؛ جمع کردن تاکک، پرندگان خشمگین (وارایسون آیفون)، پرندگان خشمگین (وارایسون واقعی که من در آن طولی‌های در خطر افتاده را پر می‌دهم)، همراه با کلوب کتاب اپرا.

منبع: سیدنی مورنینگ هرال

سطل آشغال کجاست؟

تاد مک‌کارتی



بالفطره اصلاح‌طلب سیاسی نشأت می‌گیرد که علاءالدین نخستین بار او را در یک تظاهرات اعتراضی علیه خودش می‌بینند. چند دستمایه کلاما آشوبگرفیلم از سواه‌ستفاده تکان‌دهنده کلامی است که طی دیداری دیوانه‌وار از شهر نیویورک چشم و گوش‌اش باز می‌شود- البته نه چندان باز. بار کوهن پس از فیلم نامیدکننده «برونو»، به حوزه کمیکی گام می‌گذارد که بین متلک‌های ردیانه سیاسی و پست‌ترین هجویها در نوسان است، تا اغلب تاثیری سرگرم‌کننده و گاموبیگه خندهدار بوجود بیآورد. این اثر قراردادی‌ترین فیلم روایت‌محور اوست، بدون آن اداهای متکلفانه برای خلغ سلاح کردن آدم‌ها در موقعیت‌های واقعی و با اینکه در نظر بخشی از مخاطبان غالب بیش از اندازه افراطی جلوه خواهد کرد، اما طرفداران بارون کوهن عموما با استقبال از آن سود خوبی در گیشه‌ها نصیب آن خواهند کرد.

فیلم «دیکتاتور» که «به یاد گرمی کیم جونگ‌ایل» تقدیم شده، همان که جایگاه احترام‌برانگیز کمیکی در «تیم آمریکا: پلیس جهلی» به خود اختصاص داده بود، با در نظر گرفتن حد و اندازه تکبر و تعداد نشان‌هایی که آدمیرال علاءالدین (بارون کوهن) وادیا به خود آویخته فقط می‌توانست با تیرنگاهی به مستند گذشته معمر قذافی و صدام حسین ساخته شود. علاءالدین که بی‌درنگ به دلیل ریش انبوه و سیاهش برجسته می‌شود، از سن هفت‌سالگی بر مسند قدرت بوده، او حتی مسئولان نزدیک و ارزشمند خود را نیز به بهانه کوچک‌ترین بی‌احترامی به پای چوبه دار فرستاده و دیواری از عکس‌های فتوحات عشقی معروفش دارد. علاءالدین مانند هر دیکتاتور بدنامی، دست‌کم به یک بدل نیاز دارد تا دشمنانش را از خود دور کند و حتی گاموبیگه‌هامورد سوءفقد قرار بگیرد، که همین مساله در فیلمنامه سریع بارون کوهن، الک برگ، دیوید مندل و جف شیفر او را به دردسر می‌اندازد. تمیر (بن کینگزلی) فرد دست راست و آزرده علاءالدین، چوپان خلروضعی را پیدا می‌کند که شبیه رییسش است و در سفری به نیویورک، نقش‌هایی می‌ریزد تا آن فرد بدل را به‌جای فرد واقعی برای سخنرانی به سازمان ملل بفرستد. همچنین تمیر آن بدل را به امضای قانون اساسی جدید و دموکراتیک وادار خواهد کرد که در واقع او و نزدیکان متعدد تجاری او و از همه مهم‌تر یک سرمایه‌دار چینی (بابی لی) را بسیار ثروتمند خواهد کرد.

علاءالدین که کنار گذاشته شده و ریش‌اش را تراشیده‌اند، برای نخستین بار در زندگانی‌اش به یک آدم عوام‌الناس تنزل می‌یابد. و آن هم در ایالات متحده. موفق‌ترین طنز فرهنگی در بخش زیادی از فیلم از رابطه تقریبا تصورناشدنی بین علاءالدین، که نام الیسن برگز را برای خود برمی‌گزیند و زویی (آنا فاریس موقیوه‌ای) مدیر گیاهخوار/فیئینست/

منبع: هالیوود رپورتر

چشم‌اندازی در مه

فیلم «دیکتاتور» از منظری دیگر

علاءالدین و سوپ اردک

راجر ایبرت

■ «دیکتاتور» خنده‌دار است و در عین حال زنده، نفرت‌انگیز، پر از کلمات کنیث، پیش‌یافته، خام‌دستانه و غیره با دیدن تبلیغاتی که ساشا بارون کوهن در شوهایی گفت‌وگوی بی‌شمار به‌راه انداخته بود، می‌ترسیدم که مبدا فیلم چیزی باشد شبیه به یساده‌وری آنچه پیش از این دیده بودم. اما این‌گونه نبود. او ثابت می‌کند که بهترین فیلمساز کمدی در حال کار در زمان کنونی است. و در گفتاری درباره دیکتاتوری‌ها، به‌هزل بیرحمانه سیاسی دست می‌زند. در قیاس با فیلم‌هایی مانند «صورت» و «برونو» که به‌شکلی شادمانه خط قرمزها شکسته می‌شدند، این فیلم قراردادی‌ترین فیلم کوهن است. پیرنگی دارد، داستانی عاشقانه دارد و به داستانش می‌چسبد. نه اینکه این فیلم را بتوان در جریان غالب جای داده، هرچند با توجه به خنده‌های تماشاگران در پیش‌نمایش، دیگر کسی چه می‌داند که جریان کجاست؟ همچنین او هوشمندانه وارد می‌شود، می‌خنداند و خارج می‌شود. فیلم، مانند «برونو»، کمتر از ۹۰ دقیقه است، آن هم در زمانه‌ای که کمدی‌های بیش از حد فراوانی بی‌وقفه و لچوانه از این زمان فراتر می‌روند.



کوهن نقش ژنرال آدمیرال علاءالدین از ملت وادیا در آفریقای شمالی را ایفا می‌کند که به‌نظر تلفیقی از نواحی مصر و سودان و ناحیه سسوزانی به دور از عربستان سعودی است. او در اینجا در قصر عظیمی سکنا گزیده که از آن برای سخنرانی در برابر مریدان سستایش‌گری که او را می‌پرستند استفاده می‌کند و در آنجا نه تنها با مگان فاکس، بلکه با توجه به دیوار پر از عکس‌های فوری با کیم کارداشیان، آرنولد شوارتزنگر و اپرا رابطه داشته است. مگان فاکس حضوری خارق‌العاده دارد که برای بودن با ژنرال در آنجاست اما محدودیت‌هایی به‌وجود می‌آورد.

تمیر (بن کینگزلی) صدر اعظم علاءالدین است، وارث بر حق سلطنت، که برای گرفتن تاج و تخت از او دسیسه می‌چیند. پس از یک سوءفقد نافرجام به جان علاءالدین، تمیر او را به سخنرانی در سازمان ملل ترغیب می‌کند؛ جایی که او امیدوار است موقعیت موفقیت‌آمیز دیگری صورت بگیرد. پس از اینکه یک مامور امنیتی (جان سی. رابلی) ریش علاءالدین را می‌تراشد، در حالی که شخص دیگری خود را به جای او جازده، علاءالدین در خیابان‌های منهتن آواره می‌شود. او از یک فروشگاه جناح چپی غذاهای سالم سردر می‌آورد که زویی (آنا فاریس) آن را اداره می‌کند و با وجود تفاوت‌های شدید اعتقادی، ژنرال آدمیرال در دام عشق او گرفتار می‌شود. این موقعیت فضا را برای هزلیه‌ای درباره فمینیتها، گیاهخواران و مهاجران غیرقانونی فراهم می‌کند. پس از آن علاءالدین از محله «وادای کوچک» در منهتن سرسرد می‌آورد؛ جایی با یک رستوران وادایی پر از آدم‌هایی که فکر می‌کرد اعدام‌شان کرده است.

اگرچه فیلم به‌شکلی سرسری سیر پیشرفت ماجرای عاشقانه و دسیسه سوءفقد را بی می‌گیرد، اما کوهن و کارگردان، لری چارلز، تقریبا مانند برادران مارکس پایبند پیرنگ هستند؛ نیای معنوی



این فیلم، «سوپ اردک» و نیز گروچو مارکس در نقش روفوس تی. فایرفلای دیکتاتور فریدونیایی است. همچنین نوعی حال و هوای طنز فیزیکی باستر کیتونی در صحنه‌ای که علاءالدین سعی می‌کند روی یک کابل پر فراز خیابان سر بخورد و به طبقه بالایی یک هتل برسد وجود دارد.

طرز برخورد کوهن با مصالح بی‌قیاده است، تگرش او آنارشیستی و در اینجا در مقایسه با «بورات» و «برونو» از طنز بهتری برخوردار است. امیدوارم او این خیال را در سر نداشته باشد که محبوب و معروف شود. من انتظار داشتم که این فیلم از آن دو فیلم دیگر زنده‌تر باشد و از تیان گفت که زنده نیست (به‌ویژه در صحنه‌هایی که کله یک رهبر مرده حقوق مدنی دیده می‌شود)، شاید بتوان گفت که تا حدودی لطیف‌تر است. پائویس: می‌خواهم بیشتر درباره «هتل نیوکاسل» در نیویورک بدانم. باور نمی‌کنم که چنان متلی وجود داشته باشد. این مکان بهانه‌ای برای نوعی لطیفه مستمر درباره تبلیغات کالاها در فیلم به‌وجود می‌آورد که بارها و بارها آن نام را تبلیغ می‌کند.

منبع: شیکاگو سان تایمز